



ÁEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)  
Vol.3 / No.5 / Spring & Summer 2025  
P-ISSN: 2980-7808  
E-ISSN: 3092-7919  
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

## Factors Influencing the Development of Civil Society Organizations and Their Impact on Governance Transformation in Iran

**Mohammad Tohidfam**

Professor, Department of Political Thought and Iranian Issues, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, I.R.Iran

Email: [moh.tohidfam@iauctb.ac.ir](mailto:moh.tohidfam@iauctb.ac.ir)

**Mohammad Bagher Heshmat Zadeh**

Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding Author)

Email: [bagher\\_heshmatzade@yahoo.com](mailto:bagher_heshmatzade@yahoo.com)

**Zahra Abedini**

PhD student in Political Sociology, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, I.R.Iran

Email: [z.abedi56@yahoo.com](mailto:z.abedi56@yahoo.com)



### Citation

Tohidfam, M. , Heshmat Zadeh, M. B , abedini, Z. (2025). Factors Influencing the Development of Civil Society Organizations and Their Impact on Governance Transformation in Iran, *Aeine Hokmrani*, 3(5), 95-125

[10.22034/ah.2025.2066972.1064](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2066972.1064)

Type of Article: Reserch Article

Received: 24 October 2024

Revised: 03 February 2025

Accepted: 07 May 2025

Publish Online: 22 June 2025

### Abstract

Non-Governmental Organization (NGO) serve as intermediaries between the public and the government in advancing social and cultural objectives. Operating in close connection with both the government and the citizenry, NGOs generally play a role in moderating, reforming and supplementing many government programs within society. Considering the crucial role of non-governmental organizations (NGOs) in sustainable development and the need to promote institutionalization and delegating new roles to these organizations, empowering and strengthening their internal capacities is a top priority. Therefore, this research seeks to answer the question: What factors influence the development of NGOs within the framework of the discursive relationships between these organizations and the political structure in Iran? Furthermore, what impact does the development of these organizations have on governance transformation in Iran? Methodologically, this research employs an inductive logic, a qualitative approach, and a content analysis research design to identify influential factors and solutions for the development of NGOs within the political and economic structure of Iran. The findings indicate that the factors influencing the development of NGOs and their discursive relationships with the political structure in Iran can be categorized into five main areas: political, economic, socio-cultural, technological, and environmental. The research demonstrates a significant relationship between these factors and governance transformation in Iran.

### Keywords

Non-Governmental Organizations (NGOs), Political Structure, Sustainable Development, Iranian Governance.







## عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

محمد توحیدفام <sup>ID</sup>

استاد گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

Email: [moh.tohidfam@iauctb.ac.ir](mailto:moh.tohidfam@iauctb.ac.ir)

محمدباقر حشمت زاده <sup>ID</sup>

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

Email: [bagher\\_heshmatzade@yahoo.com](mailto:bagher_heshmatzade@yahoo.com)

زهرآ عابدینی <sup>ID</sup>

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

Email: [z.abedi56@yahoo.com](mailto:z.abedi56@yahoo.com)



### استناد به این مقاله:

توحیدفام، محمد و حشمت زاده، محمدباقر و عابدینی، زهرآ (۱۴۰۴). عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران، نشریه آیین حکمرانی، (۵)، ۹۵-۱۲۵  
doi: [10.22034/ah.2025.2066972.1064](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2066972.1064)

نوع مقاله: پژوهشی  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵  
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

### چکیده

سازمان‌های مردم‌نهاد، واسطه مردم و دولت در پیشبرد اهداف اجتماعی و فرهنگی‌ای هستند که در پیوندی تنگاتنگ با دولت و مردم، فعالیت می‌کنند و به‌طورکلی با هدف تعدیل، اصلاح و تکمیل بسیاری از برنامه‌های دولتی در جامعه، نقش دارند. با توجه به اهمیت سازمان‌های غیردولتی در فرایند توسعه پایدار و لزوم ترویج نهادسازی در این زمینه و واگذاری نقشه‌ای جدیدتر به این تشکل‌ها، توانمندسازی و تقویت ظرفیت‌های درونی آنها، از اولویت‌های اساسی است. از این رو در این پژوهش، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در چهارچوب مناسبات گفتمانی سازمان‌های مردم‌نهاد با ساختار سیاسی در ایران کدامند؟ همچنین توسعه این سازمان‌ها چه تأثیری بر تحول حکمرانی در ایران دارد؟ به لحاظ روشی در پژوهش پیش رو، با منطق استقرایی، با رویکرد کیفی و با به‌کارگیری طرح تحقیق تحلیل محتوا، به دنبال شناسایی عوامل مؤثر و راهکارهای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران هستیم. یافته‌ها، بیانگر آن است که عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد وفق مناسبات گفتمانی سازمان‌های مردم‌نهاد با ساختار سیاسی در ایران را می‌توان در ۵ سرفصل کلی عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، فناوری و زیست محیطی تبیین کرد. دستاورد پژوهش نشانگر آن است که میان این عوامل و تحول در سطح حکمرانی ایرانی رابطه معناداری وجود دارد.

### واژگان کلیدی

سازمان‌های مردم‌نهاد، ساختار سیاسی، توسعه پایدار، حکمرانی ایرانی.



حکمرانی، نیازمند پیش‌ران‌هایی است که تثبیت و نهادینگی آن را تضمین کند. حکمرانی، بدون نهادینگی در لایه‌های اجتماعی، ممکن است در کوتاه‌مدت به دستاوردهایی برسد، اما در بلندمدت، امکان استمرار را از دست می‌دهد. استمرار در حکمرانی، نیازمند سازه ارتباطی و نهادی میان مردم و تصمیم‌سازان در لایه حکمرانی است. این ارتباط، اجماع در تصمیم‌سازی را فراهم می‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان بخش واسط میان مردم و دولت هستند که در مدل‌های حکمرانی، به‌عنوان شرکای دولت در تصمیم‌سازی‌ها و اجرای برنامه‌ها، به‌رسمیت شناخته می‌شوند. مفهوم حکمرانی خوب، دارای زمینه‌های بحث گسترده‌ای است و این به‌طور عمده به زمینه‌های اداری امور عمومی یک کشور بر می‌گردد.

برای اداره امور عمومی، دو الگو وجود دارد: در الگوی نخست، حکومت، مسئولیت تمام امور را عهده‌دار است. حکومت بایستی تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی و یا شهروندان فراهم کند، اما در الگوی دوم، مسئولیت اداره امور عمومی، میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است. در این الگو، هر سه بخش یادشده، به‌گونه‌ای در تعامل با یکدیگر قرار دارند که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها، تعادل اجتماعی را برهم خواهد زد (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۲).

سازمان‌های مردم‌نهاد، واسطه مردم و دولت در پیشبرد اهداف اجتماعی و فرهنگی هستند که در پیوندی تنگاتنگ با دولت و مردم، فعالیت می‌کنند و به‌طور کلی با هدف تعدیل، اصلاح و تکمیل بسیاری از برنامه‌های دولتی در جامعه، نقش دارند و به‌همین سبب است که نقش بسیار فعال و بسزایی در رشد و ارتقای سطح حکمرانی ایفا می‌کنند. با توجه به اهمیت سازمان‌های غیردولتی در فرایند توسعه پایدار و لزوم ترویج نهادسازی در این زمینه و واگذاری نقش‌های جدیدتر به این تشکل‌ها، توانمندسازی و تقویت ظرفیت‌های درونی آنها، از اولویت‌های اساسی‌ای است که جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در سطح حکمرانی، به آن توجه ویژه داشته باشد.

بنابراین پرسش بنیادین پژوهش پیش رو، این است که «چه ارتباطی میان سازمان‌های مردم‌نهاد

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

و تحول و ارتقای حکمرانی وجود دارد؟». برای بررسی این مسئله، بایسته است بحث را از عوامل مؤثر بر سازمان‌های مردم‌نهاد آغاز کنیم؛ یعنی تغییر در متغیر مستقل پژوهش را می‌بایست ارزیابی کنیم تا آثار آن بر متغیر وابسته، قابل ارزیابی و سنجش باشد. براین اساس به منظور کنش یک دوره زمانی، سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران انتخاب شده و با تطبیق بر آن، چنین پرسشی مطرح می‌شود: عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد (وفق مناسبات گفتمانی سازمان‌های مردم‌نهاد با ساختار سیاسی در ایران در بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۴۰۰) کدامند و چه تأثیری بر تحول در حکمرانی ایرانی دارند؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند بررسی محتوایی داده‌هایی است طی چهار دهه اخیر به وسیله سازمان‌های مردم‌نهاد تولید شده است و در این پژوهش، پس از گردآوری داده‌ها، تحلیل و ارزیابی نهایی ارائه خواهد شد. به لحاظ روشی در پژوهش پیش رو، با منطق استقرایی، با رویکرد کیفی و با به‌کارگیری طرح تحقیق تحلیل محتوا، به دنبال شناسایی عوامل مؤثر و راهکارهای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی ایران هستیم.

در پاسخ به پرسش پژوهش این فرضیه مطرح می‌شود که دولت‌سالاری و گسترش مالکیت دولتی، در مقابل مالکیت خصوصی در ایران و تمرکز منابع تعیین‌کننده در دست دولت و قدرت اقتصاد رانتی دولت از یک سو و از سوی دیگر، منطق حداکثرسازی منافع فردی در ساختار اقتصادی (بازار) و ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد در رویارویی با قدرت بازار و ارتباط تنگاتنگ ساختار سیاسی و اقتصادی مبتنی بر اقتصاد رانتی در ایران، دیگر منبعی برای فعالیت‌های اجتماعی خارج از حوزه دولتی (جامعه مدنی) باقی نگذاشته و سبب شکل‌گیری گونه‌ای گفتمان از بالا به پایین در مناسبات سازمان‌های مردم‌نهاد با نهاد سیاست و اقتصاد شده است؛ تاجایی که حتی دولت می‌کوشد با کنترل توزیع منابع، نهادهای وابسته به جامعه مدنی، از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) را هم تحت کنترل خود درآورد. از این رو مناسبات گفتمانی سازمان‌های مردم‌نهاد، تحت تأثیر مؤلفه‌های ساختار سیاسی حاکم، توان تأثیرگذاری بسیار محدودی بر بهبود الگوی حاکم حکمرانی در ایران دارد.

بنابراین پژوهش به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، وفق مناسبات گفتمانی سازمان‌های مردم‌نهاد با ساختار سیاسی در ایران و تأثیر آن بر ایجاد تحول در حکمرانی در ایران است که می‌توان در ۵ سرفصل کلی عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی -

فرهنگی، فناری و زیست محیطی تبیین کرد. دستاورد پژوهش نشانگر آن است که میان این عوامل و تحول در سطح حکمرانی، رابطه معناداری وجود دارد.

## ۱. تبیین چهارچوب مفهومی

### ۱-۱. سازمان‌های مردم‌نهاد

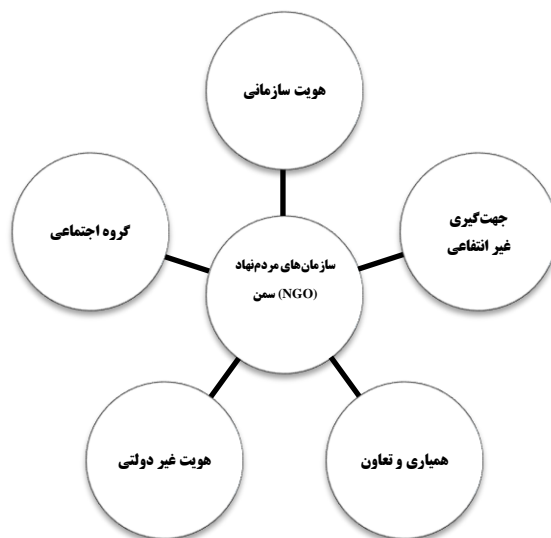
مراد از سازمان، مفهوم رایج در دانش مدیریت است: امری دارای شخصیت حقوقی با آرمان، اهداف، اساسنامه، ساختار، شرح وظایف و منابع انسانی (محتشم دولت‌شاهی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). در تعریف سمن‌ها، مؤلفه‌هایی درباره چیستی و هویت سمن‌ها ذکر شده است که عبارتند از: سازمان‌یافتگی، خصوصی‌بودن (غیردولتی‌بودن)، غیرانتفاعی‌بودن، خودگردانی و استقلال، داوطلبانه‌بودن، غیرسیاسی‌بودن. «سازمان‌یافتگی» به این معناست که به سطح تثبیت و پایداری رسیده باشد؛ یعنی دارای یک برنامه اساسی، قانون مشخص تأسیس، ساختار سازمانی استمرار در اهداف باشد. ویژگی دوم «خصوصی‌بودن (غیردولتی‌بودن)» است و به این معناست که از حیث سازمانی، از دولت جدا باشند؛ این جدایی می‌بایست هم در تأسیس، هم دریافت کمک مالی و هم در اعضای هیات رئیسه، مراعات شود. قرارگرفتن سازمان‌های مردم‌نهاد، در ارتباط نزدیکی با دولت، چالش‌ها و موضع‌گیری‌های بحث‌برانگیزی را درباره عاملیت آنها، توانایی‌شان برای دستیابی به اهداف و تأثیر آنها بر استقلال و مشروعیت‌شان مطرح می‌کند (Harsh, 2015 \ Banks at al, 2015). سومین ویژگی مردم‌نهادها، «خودگردانی و استقلال» است که مراد از آن، تسلط و نظارت بر فعالیت‌های خود است؛ به این معنا که سازمان‌های مردم‌نهاد، مستقل از حمایت‌های دولتی بوده و در اداره خود، به منابع درونی و خارج از دولت متکی هستند.

ویژگی چهارم، «غیرانتفاعی‌بودن» است؛ یعنی درآمدهای به‌دست‌آمد برای تحقق اهداف سازمان به‌کار گرفته می‌شود و به اشخاص حقیقی تعلق نمی‌گیرد. دریافت کمک از دیگران هم به‌گونه‌ای باید باشد که اهداف سازمان را تحت تأثیر قرار ندهد. ویژگی دیگر «داوطلبانه‌بودن» عضویت در این سازمان‌هاست. داوطلبانه‌بودن از بالاترین تا پایین‌ترین سطوح می‌بایست

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

مراعات شود. آخرین ویژگی نیز «غیرسیاسی بودن» است که به معنای عدم وابستگی به هیچ‌یک از احزاب و تشکل‌های سیاسی است و هیچ‌گونه فعالیت سیاسی نمی‌کنند؛ یعنی امکانات سازمان را در اختیار یک جریان سیاسی قرار نمی‌دهند (منصوری محمدآبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۷).

براین اساس چستی سازمان مردم‌نهاد را از راه تحلیل عناصر درون ساخت مؤلفه‌های آن می‌توان به دست آورد. سازمان مردم‌نهاد، یک گروه اجتماعی است که هویتی غیردولتی دارد و فعالیت در آن، از حیثیت تعاون برخوردار است. مراد از گروه اجتماعی، مجموعه‌هایی از افراد است که به شیوه‌های منظم با یکدیگر کنش متقابل دارند. اعضای گروه از هویت مشترکی برخوردارند و نسبت به آن آگاهی دارند و همچنین روابط و تأثیر و تأثرات دوسویه میان آنها برقرار است. بنابراین تلاش جمعی هدفمند با تقسیم کار و مسئولیت مهم‌ترین مؤلفه سازمان مردم‌نهاد است. سمن، سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل است که بنابر شرایط و مقتضیات و نیازهای خود، دارای قانونمندی و اساسنامه مدون است و همچنین در چهارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌کنند (محتشم دولتشاهی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). بنابراین سازمان مردم‌نهاد، بر اساس تعریف، از پنج مقوم به دست می‌آید که در نمودار (۱) آمده است.



نمودار (۱): مؤلفه پنج‌گانه سازمان‌های مردم‌نهاد

## ۱-۲. حکمرانی مطلوب

مفهوم «حکمرانی مطلوب یا حکمرانی خوب (Good Governance)»، دراصل در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین الملل ایجاد شده و در سایه حمایت‌های سازمان ملل متحد، پرورش یافته است. با این همه رویکرد حقوق بشر، به توسعه مفهومی است که در چند دهه اخیر به مرور در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی گوناگون توسعه پیدا کرده است. از نگاه واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی (Kubernan)، به معنای هدایت یا اداره کردن برمی‌گردد که به وسیله افلاطون در ارتباط با چگونگی طراحی نظام حکومتی مورد استفاده قرار گرفته است. تعاریف بسیار گوناگونی برای اصطلاح حکمرانی ارائه شده است. دریک تعریف از این اصطلاح آمده است که حکمرانی یعنی اداره کردن قواعد سیاسی رسمی یا غیررسمی یک بازی. حکمرانی، به آن معیارهایی اشاره دارد که در بردارنده وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چهارچوب آن قواعد است (Tohidfam, 2018, p.2021).

تمامی تعاریف برای تعریف حکمرانی، بیانگر مفهومی گسترده‌تر از حکومت هستند. کاربرد جدید این واژه، تنها دربرگیرنده بازیگران و نهادهای دولت نمی‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴)، بلکه دربرگیرنده سه نهاد حکومت، جامعه مدنی (احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد) و بخش خصوصی می‌شود. از این رو اصطلاح یادشده حکمرانی دولت را دربرمی‌گیرد، اما با درگیرکردن بخش خصوصی و جامعه مدنی، از آن فراتر می‌رود. هر سه آنها برای توسعه انسانی پایدار، ضروری هستند. دولت، محیط سیاسی و حقوقی مناسب به وجود می‌آورد، بخش خصوصی، اشتغال و درآمد ایجاد کرده و جامعه مدنی هم تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کنند (Undp, 1999). وظیفه حکمرانی خوب، همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر برای این سه بخش با یکدیگر است.

درباره تعریف حکمرانی خوب (مطلوب)، تعاریف گوناگون و متفاوتی ارائه شده است. تعریفی که اتحادیه اروپا برای این اصطلاح بیان می‌کند، این است که «حکمرانی خوب، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور، با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

عدالانه و پایدار است» (سردارنیا، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵). در تعریفی دیگر «حکمرانی خوب باعث می‌شود که صدای عامه مردم، زمانی که تصمیمات اخذ و منابه تخصیص می‌یابند، به گوش برسد. این حکمرانی است که متعلق به مردم است و توسط مردم شکل می‌گیرد» (مقیم‌ی و اعلایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴).

درباره ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب، کمیسیون حقوقی سازمان ملل، طی قطعنامه شماره ۲۰۰۰/۶، این ویژگی‌ها را این‌گونه برمی‌شمارد: شفافیت (Transparency)، مسئولیت (Responsibility)، پاسخگویی (Accountability)، مشارکت (participation)، حاکمیت قانون (The Rule of Law) و انعطاف‌پذیری (Resposiveness).

اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی مطلوب، جهانی و بین‌المللی هستند و تمامی کشورها و دولت‌ها را دربرمی‌گیرد، اما اجرای آنها در کشورهای مختلف، با یکدیگر متفاوت است؛ از این‌رو کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی مطلوب مشخص و تعیین کنند. بنابراین به‌کارگیری تجربه تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی آنها - که منعکس‌کننده واقعیت‌های روز است - امری مهم و ضروری است (Tohidfam, 2021).

در نتیجه حکمرانی مطلوب، حکمرانی محلی و منطقه‌ای است. شیوه حکمرانی غیرمتمرکز سبب می‌شود که مردم در فرایند تصمیم‌سازی نادیده گرفته نشوند و ارتباط بین آنها و مقامات محلی، به‌طور مستقیم و نزدیکتر باشد و امکان تأمین بیشتر نیازهای آنها وجود داشته باشد. سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان بخش اصلی از بدنه نهادهای مدنی، واسطه بین مردم و نهاد قدرت (دولت) هستند و ضرورت و اهمیت پردازش مباحث مربوط به سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌سبب اهدافی است که این سازمان‌ها در تحول بخشی به مدل حکمرانی در ساختار سیاسی دولت‌ها ایفا می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌اعتبار تأثیری که بر جامعه می‌گذارند و به دستاوردهای سیاسی ای که می‌توانند برسند، در مواقع ضروری می‌توانند به دنبال بسیج حمایت مردمی برآیند؛ چرا که امروزه سازمان‌های مردم‌نهاد می‌کوشند تغییراتی را در سیاست‌ها و شرح وظایف خود در سطح داخلی، ملی و بین‌المللی

به وجود آورند (پیروسی شیرخانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۱).

البته حکمرانی غربی، به لحاظ مبنایی مبتنی بر پراگماتیسم سکولار است و متمایز از حکمرانی اسلامی است. آنچه که در حکمرانی اسلامی دارای اهمیت است، نگاه فرامادی و نوعی آخرت‌گرایی است که سبب می‌شود در بسیاری از تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها، این مهم مدنظر قرار گیرد و شاخص‌هایی همچون حق‌باوری، اخلاق‌مداری، عدالت‌محوری و ... برجسته‌تر از حکمرانی غربی باشد.

به‌رغم نقش مهم سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند توسعه و پیشرفت در جنبه‌های گوناگون جامعه، گسترش سازمان‌های غیردولتی در سه دهه اخیر و فعالیت سازمان‌های غیردولتی در ایران، حتی در مقایسه با کشورهای عقب‌افتاده، بسیار محدود است؛ از این‌رو بایستی به‌عنوان یک پژوهشگر دغدغه‌مند نسبت به فرایند رشد و توسعه ایران، زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد را در جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ علمی واکاوی کنیم.

بنابراین در این پژوهش می‌کوشیم تا افزون‌بر تبیین چهارچوب مفهومی سازمان‌های مردم‌نهاد و پیشینه و روش پژوهش، عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد را در ایران، در چهارچوب مناسبات گفتمانی آنها با ساختار سیاسی ایران به‌منظور تبیین جایگاه واقعی این سازمان‌ها بررسی و واکاوی کرده و درنهایت ضمن جمع‌بندی، راهکارهای لازم را ارائه کنیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

\* لیان (S Lian) و موردای (A Murdie) (۲۰۲۳) به بررسی «چگونه بسته‌شدن فضای جامعه مدنی بر تعاملات سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت تأثیر می‌گذارد» پرداختند. به‌تازگی سخت‌گیری در فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، جهان را نابود کرده است. هنگامی که با محدودیت‌های فزاینده روبه‌رو هستند، سازمان‌های غیردولتی چگونه واکنش نشان می‌دهند؟ آنها استدلال می‌کنند که بین افزایش در سرکوب سازمان‌های غیردولتی و ماهیت تعارض به همکاری تعاملات سازمان‌های غیردولتی با دولت، رابطه خطی وجود دارد؛ چراکه سرکوب جامعه مدنی، زمینه مواضع ضد و نقیض علیه دولت‌ها و برعکس هنگامی

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

که سرکوب جامعه مدنی محدود بوده یا وجود ندارد، سازمان‌های غیردولتی دلایل زیادی برای همکاری با دولت دارند.

\* استتاسکو (EV Stetsko) (۲۰۲۳) به واکاوی «بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در روابط بین‌الملل: وحدت نظریه و گزینش‌پذیری عمل» پرداخته است. مطالعات نقش سازمان‌های غیردولتی در روابط بین‌الملل، در گفتمان علمی بسیار موردتوجه است. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بزرگ، فرصت تشکیل دستور کار جهانی را دارند، اما حل وظایف تعیین‌شده، تنها با همکاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌دولتی امکان‌پذیر است. پیچیدگی و ابهام این تعامل هم از نظر نظری و هم از نظر عملی موردتوجه است. در این پژوهش به بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در روابط بین‌الملل و حل مشکلات سیاسی داخلی جامعه روسیه و بررسی تأثیر مفاهیم رویکردهای کلاسیک لیبرالیسم و واقع‌گرایی در ارزیابی سازمان‌های غیردولتی در روسیه می‌پردازند.

\* آیدان (NZ Abiddin) و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی «سازمان‌های غیردولتی (NGO) و نقش آنها در توسعه پایدار جامعه» پرداختند. خدمات درمانی جایگزین، توسعه جامعه، عدالت اجتماعی و آموزش و پرورش در مناطقی موردتوجه قرار می‌گیرد که سازمان‌های غیردولتی، به‌طور فزاینده‌ای فعالیت می‌کنند، اما این تلاش‌ها با ناکارآمدی دولت و محدودیت‌های منابع مختل می‌شوند. با این حال هدف این پژوهش، بررسی نقش و تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر توسعه پایدار جامعه و شناسایی چالش‌های پیش روی این سازمان‌ها است. این پژوهش، دربردارنده داده‌هایی درباره تعداد سازمان‌های غیردولتی در مالزی است که می‌کوشند تا حس بهتری به جامعه داده شود. این پژوهش پیشنهادهایی را برای بهبود سازمان‌های غیرانتفاعی موجود ارائه می‌دهد تا بتوانند کل جامعه را به خدمت گیرند.

\* گومز (GM Gomez) و هلمسینگ (AHJB Helmsing) (۲۰۲۰) به بررسی «کارآفرینی اجتماعی: هم‌گرایی سازمان‌های مردم‌نهاد و اقتصاد بازار» پرداخته‌اند. اجماعی روبه‌رشد وجود دارد که بیان می‌دارد برای پایداری تحت شرایط عدم اطمینان، اقتصاد به سه گونه بازیگر نیازمند است: دولت، تجارت‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی. در این

بررسی، ارتباط بین دولت و کسب‌وکار و سازمان‌های دولتی و غیردولتی به‌طورگسترده موردبررسی قرار گرفته‌است، اما ارتباطات بین سازمان‌های تجاری و جامعه مدنی به‌طورکلی کمتر موردتوجه قرار گرفته‌است.

\* هسماز (R Hasmath) و همکاران (۲۰۱۹)، به بررسی «مفهوم‌سازی سازمان‌های غیردولتی سازمان‌یافته توسط دولت» پرداخته‌اند. در این پژوهش، چهارچوبی مفهومی برای شناسایی و تحلیل رفتار معاصر سازمان‌های متناقض و غیردولتی ارائه شده‌است. این پژوهش، به بررسی چگونگی تناسب فعالیت‌ها با نظریات و سنت‌های جامعه مدنی می‌پردازد. افزون‌براین آنها سازمان‌های غیردولتی را از نظر منابع قدرت، فعالیت‌ها و عملکردهای اصلی و معضلات آنها مقایسه و تحلیل می‌کنند. درنهایت آنها اثرات و پیامدهای آن را نظریه‌پردازی می‌کنند و رشد فعالیت سازمان مردم‌نهاد بر روابط دولت و جامعه در سطح جهانی تأثیر دارد.

\* اسلامی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود باعنوان «بررسی جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد و نقش آنها در سیاست‌گذاری» به ارتباط مردم با حکومت و دستگاه‌های دولتی و رشد مشارکت بیشتر آنان از راه نهادها و سازمان‌هایی با نام سازمان‌های مردم‌نهاد می‌پردازند. نداشتن وابستگی به ساختار و منابع عمومی دولت، داوطلبانه و دموکراتیک بودن، آنها را از سازمان‌های دولتی متمایز می‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) به‌عنوان ساختارهای اجتماع‌محور با هدف منفعت‌رسانی به مردم جامعه و با ایجاد فضاهای کسب‌وکاری به‌وسیله دولت و رفع موانعی که پیش‌ازاین وجود داشت، اقدام به گسترش فعالیت‌های خود در زمینه‌های تجاری و اقتصادی کرده‌اند. در این پژوهش، با کمک منابع کتابخانه‌ای، اهمیت این سازمان‌ها را در جوامع از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده و به تحلیل رفتار سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با دولت و تأثیرات دو جانبه هر دو بخش بر یکدیگر می‌پردازد و اثرگذاری این سازمان‌ها را در فرایند تصمیم‌گیری‌ها ارزیابی می‌کند.

\* همان‌طورکه نمونه‌های مطالعات پیشین موردبررسی قرار گرفت، اگرچه برخی از مطالعات صورت‌گرفته، به بررسی موانع و چالش‌های موجود در مسیر توسعه سازمان‌های مختلف در ایران و دیگر جوامع پرداخته‌است، اما هیچ‌کدام از مطالعات انجام‌شده، رابطه

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

معنادار «توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد» را بر «تحول در الگوی حکمرانی در ایران» در چهارچوب روابط علی و معلولی، مورد مطالعه قرار نداده است، حال آنکه در این پژوهش، فرضیه اصلی بر دو متغیر توسعه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران استوار است.

### ۳. روش پژوهش

#### ۳-۱. انجام پژوهش

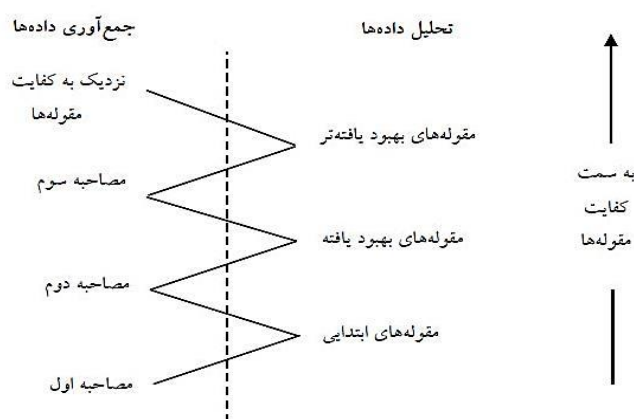
این پژوهش، با رویکرد تحقیق کیفی و تحلیل محتوا انجام شده است. طرح تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوا است که با تحلیل محتوای پنهان مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته، به دنبال استخراج موانع و چالش‌ها و عوامل مؤثر و راهکارهای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار اقتصادی و سیاسی ایران بوده است. در این پژوهش، با تبعیت از روالی نظام‌مند و کیفی، جهت تولید فرایند، کنش، یا برهم کنش را درباره یک موضوع خرد واقعی، در «سطح مفهومی کلی» تشریح می‌کند (کرسول، ۱۳۹۱، ص ۳۹۶).

این پژوهش از طریق طراحی رابطه مفاهیم، به دنبال یافتن رابطه‌ها و شفاف‌سازی نقش‌ها است. به سه دلیل ذیل، این تحقیق از طرح پژوهش تحلیل محتوا تبعیت کرده است: ۱. پرسش‌های این پژوهش، از نوع چیستی و به دنبال مفهوم‌سازی است؛ ۲. پژوهش پیش رو، داده‌های کیفی و اولیه را از مصاحبه‌شوندگان کسب می‌کند؛ از این رو واقعیت‌های موجود در چرایی نقش توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی را در کشور ایران بازنمایی می‌کند؛ ۳. محقق با بررسی پیشینه پژوهش، به این مهم دست یافت که تحقیقی جامع و کامل با رویکرد بومی، با شرایط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، فناوری، زیست محیطی و جامعه‌شناختی ایران وجود ندارد. همچنین داده‌های این پژوهش، دیدگاه‌های افراد نخبه، صاحب‌نظر و کارشناس در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، سیاست‌گذاری و مدیریتی کلان است که در خلال جلسات متعدد مصاحبه، جمع‌آوری شده است. در نمودار (۲)، به صورت کلی فرایند انجام پژوهش نشان داده شده است.



عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

که در آن «... هیچ داده بشری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را رشد دهد. به موازاتی که پژوهشگر داده‌های مشابه را بارها و بارها مشاهده می‌کند. از لحاظ تجربی، اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به کفایت رسیده است... زمانی که مقوله‌ای کفایت لازم خود را کسب کرد، هیچ چیز باقی نمی‌ماند، جز اینکه پژوهشگر به سراغ گروه‌های جدیدی از داده در مورد مقوله‌های دیگر برود و تلاش کند آن مقوله‌ها نیز کفایت لازم را به دست آورند» (Glaser & Strauss, 1967, p.65\ Pandit, ) (1996, p.45).



نمودار (۳): گردآوری و تحلیل داده‌ها به طریق زیگزاگ برای اشباع مقوله

باتوجه به اینکه در روش‌های کیفی، برخلاف انواع کمی، محقق به دنبال دستیابی به تعمیم‌پذیری‌های گسترده نیست، براین اساس حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی، خیلی بزرگ نبوده و نیازی به نمونه‌گیری در سطح کلان نیست. در واقع تعداد افراد مورد مصاحبه، به اشباع داده‌ها بستگی دارد. هر مقوله، زمانی به اشباع می‌رسد که دیگر هیچ اطلاعات تازه‌ای در جریان کدگذاری به دست نیاید؛ یعنی هیچ ویژگی، بعد، شرایط، عمل / تعامل یا پیامد جدیدی در داده‌ها مشاهده نشود (Strauss & Corb, 1998, p.158). در پژوهش پیش رو، محقق تا پایان مصاحبه ۸، به اشباع نظری رسید و برای اطمینان، مصاحبه‌ها تا ۱۰ مصاحبه

ادامه یافت. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان مطابق با جدول (۱) است.

ملاک انتخاب	تعداد	جنسیت		تحصیلات
		آقا	خانم	
سیاست‌گذار در سازمان‌های مردم‌نهاد	۴	۳	۱	دکتری
مسئولین سیاسی اقتصادی کشور	۵	۴	۱	کارشناسی ارشد
هیئت علمی دانشگاهی	۱	۱	-	
جمع	۱۰	۸	۲	

جدول (۱): ویژگی جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش

### ۳-۲. ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش پیش رو، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. در این گونه مصاحبه، محقق بدون تلاش برای جهت‌دادن به گفت‌وگو، می‌کوشد به دنیای تجربیات افراد دست یابد و با استفاده از پرسش‌های باز و روشن، به شرکت‌کنندگان در توصیف تجربیاتشان کمک می‌کند و جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع، ادامه می‌یابد (استربرگ و سالی، ۱۳۸۵، ص ۸۶).

نویسنده این پژوهش، در انجام مصاحبه‌ها با مشارکت‌کنندگان منتخب وارد گفت‌وگوی هدفمند شده تا تصویر روشنی را از موضوع موردنظر ترسیم کند. مصاحبه‌ها برابر هماهنگی قبلی با افراد منتخب، در محیطی آرام و امن، به مدت ۴۵ الی ۱۰۰ دقیقه به‌طور کامل ضبط شده است. پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها و استخراج جملات کلیدی، در مواردی که نیاز به بیان توضیحات بیشتر از سوی مصاحبه‌شونده بود، برای بار دوم به شخص مراجعه شد. مراحل انجام مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان انجام گرفت و در نهایت با بررسی پاسخ‌ها و رسیدن اطلاعات به حد اشباع نظری تا مصاحبه ۸، مصاحبه‌ها با تعداد ۱۰ مصاحبه پایان یافت که مقوله جدیدی از ۲ مصاحبه آخر به‌دست نیامد. شیوه جمع‌آوری اطلاعات برای نگارش مبانی نظری و جست‌وجوی ادبیات پیشینه مرتبط و نیز استخراج پرسش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌صورت کتابخانه‌ای و استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت نشریات بوده

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

است و در بخش جمع‌آوری داده‌ها با توجه به استفاده از رویکرد کیفی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل محتوا بوده است.

اعتبارپذیری این پژوهش، برابر ۰/۷۸ است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۰/۷۰ است، بنابراین کدگذاری‌ها اعتبارپذیر است.

### ۳-۳. روش تجزیه و تحلیل

در تحلیل داده‌ها، با استفاده از خلاصه‌سازی و کدگذاری و تحلیل محتوای پنهان به دست آمده از مصاحبه خبرگان به شیوه دستی انجام گرفته است. کدگذاری عبارت است از نسبت دادن کدهای مفهومی و مقوله‌ای به کوچک‌ترین واحد معنادار از محتوای متنی هدف. واحد معنادار داده‌ها می‌تواند یک جمله کوچک، یا یک قسمت از بند و یا یک یا چند بند از کل محتوای متنی باشد (فراسخواه، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲). با روبه‌افزایش گذاشتن مفاهیم، تحلیل‌گر باید کار دسته‌بندی کردن آنها را آغاز کرده و هر دسته را زیر اصطلاحات انتزاعی‌تر، یعنی مقوله‌ها بگذارد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶). مقوله‌ها مفهومی هستند که معنای پدیده‌ها را می‌رسانند. مقوله‌ها، شالوده‌ساختن محتوا هستند. کرسول کدگذاری محوری را مرتب‌کردن، درآمیختن و سازمان‌دهی انبوهی از داده‌ها تعریف می‌کند (فراسخواه، ۱۳۹۵، ص ۱۷۰).

مفاهیم، واحدهای پایه‌ای یا خرد تحلیل هستند؛ چراکه از تصویر ذهنی و مفهوم‌سازی از داده‌هاست که به وسیله آن، موانع و چالش‌ها، عوامل مؤثر و راهکارها شکل می‌گیرد و نه به‌تنهایی از خود داده‌های واقعی (pandit, 1996, p.77). در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد به‌دست آمده از کدگذاری باز، تدوین شده و سر جای خود قرار می‌گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد شود (lee, 2001, p.84).

در تجزیه و تحلیل پژوهش پیش رو، مراحل مختلف فرایندهای ذکرشده، با دقت انجام شد. نخست کلیه اظهارات به‌دست آمده از مصاحبه شرکت‌کنندگان پیاده و پس از چندین بار بررسی، مطالب مهم استخراج و به‌طور مجزا در مورد هر مصاحبه‌شونده دسته‌بندی شد. در

این پژوهش، واحد تحلیل، پاراگراف بوده است؛ یعنی پس از حذف گفته‌های نامرتبط با موضوع تحقیق، اطلاعات در قالب ده‌ها پاراگراف دسته‌بندی شدند. در مرحله بعد، مفاهیم به‌دست‌آمده از اظهارات، استخراج و کدگذاری شد و سپس در سطوح مختلف در دسته‌های هم‌مفهوم قرار گرفت (کدگذاری اولیه). هم‌زمان با انجام کلیه این مراحل، به‌صورت رفت‌وبرگشتی (زیگراگی) به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرداخته شد و متناسب با آن، به انتخاب مصاحبه‌شونده و پرسش‌های جدید و جمع‌آوری اطلاعات تا حد اشباع پرداخته شد. با حذف جمله‌های مشترک و دسته‌بندی جمله‌های هم‌مفهوم در مرحله کدگذاری باز مفاهیم به دست آمد و سپس در کدگذاری متمرکز، مقوله‌بندی و طبقه‌بندی شدند و در نهایت موانع و چالش‌ها، عوامل مؤثر و راهکارهای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی ایران با نگرش بر دولت‌های بین سال‌های ۱۳۸۰ تا کنون شناسایی و گزارش گردید.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

با استفاده از شیوه تحلیل محتوا، رویه تحلیل داده‌ها در این مطالعه، شامل کدگذاری اولیه و کدگذاری متمرکز است. در ابتدا به کمک تحلیل متون به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، نتایج کدگذاری تشریح شده و در ادامه موانع و چالش‌ها، عوامل مؤثر و راهکارهای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار اقتصادی و سیاسی ایران ارائه می‌شود. داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه‌شوندگان کدگذاری می‌شوند تا به شکل راحت‌تری شباهت‌ها و تفاوت‌ها شناسایی شوند. سپس کدهای اولیه مقوله‌بندی می‌شوند. نویسنده این پژوهش، با استفاده از کد متمرکز انتزاعی، اقدام به دسته‌بندی کدهای اولیه می‌کند که با یکدیگر ارتباط معنادار دارند و نویسنده همچنان کدهای دور پیشین را تنها بر اساس ارتباط مفهومی آنها طبقه‌بندی و یا دسته‌بندی می‌کند، اما همان‌طور که در بخش قبل بیان شد، در این مرحله کدگذار تعدادی کد اولیه را به‌عنوان مقوله در نظر می‌گیرد و یا در بین کدهای اولیه، کدهایی هستند که از درجه انتزاع بالاتر برخوردار بوده‌اند و کدهای عملیاتی یا مشاهده‌پذیرتر در ذیل خود به‌عنوان مقوله می‌پذیرند. بنابراین نسبت به دسته‌بندی مقولات دسته بالاتر در قالب کد متمرکز شامل موانع و چالش‌ها، عوامل مؤثر و راهکارها اقدام می‌شود. در ادامه نتایج مراحل

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

کدگذاری به ترتیب ارائه شده است.

نخست، شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران در بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۴۰۰ است که در این بخش با کدگذاری مصاحبه‌ها و خلاصه‌سازی داده‌ها، در نهایت کدهای اولیه عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران، به شرح جدول (۲) به دست آمد.

جدول (۲): کدهای اولیه عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران

ردیف	کدهای اولیه
۱	حمایت و تشویق دولت و سیاست‌گذاران از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد
۲	فراهم کردن حمایت‌ها و قوانین مناسب
۳	وجود قوانین و آیین‌نامه‌های تسهیل‌کننده فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی
۴	تفکر و رویکرد حاکمیت در ترویج مشارکت اجتماعی
۵	تغییرات در گفتمان و رویکرد دولت‌ها برای ترویج مشارکت مردم
۶	وجود نهادها و سازمان‌های حمایت و پشتیبان‌کننده از سازمان‌های غیردولتی
۷	وابستگی مردم به حزب‌ها و نظام سیاسی
۸	توجه به اصول مشارکت‌گرایی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولتی
۹	تغییرات در نگرش و سیاست‌های دولتی در جهت تشویق و حمایت از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد
۱۰	تغییرات در سیاست‌گذاری دولتی به سمت توسعه مشارکت اجتماعی و توجه به نهادهای مدنی
۱۱	توجه به تقویت و گسترش ارتباطات بین‌المللی و ایجاد ارتباط‌های مؤثر با سازمان‌های بین‌المللی
۱۲	وضعیت اقتصادی پایدار و امنیت معیشتی مردم
۱۳	تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد
۱۴	تورم و نرخ ارز
۱۵	ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای سازمان‌های مردم‌نهاد
۱۶	تغییرات در روند تغییرات اقتصادی ملی و بین‌المللی
۱۷	سیاست‌ها و تصمیمات دولتی در استفاده از منابع مالی و تحریم‌ها
۱۸	همکاری‌های با بخش خصوصی
۱۹	تنوع در تامین منابع مالی سازمان‌ها
۲۰	وجود امکانات بیشتر و فضای مشارکت مناسب برای افزایش روحیه مشارکت اجتماعی
۲۱	تأثیر فرهنگ و اجتماع در تشکیل و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد

ردیف	کدهای اولیه
۲۲	افزایش آگاهی عمومی و حمایت از مسائل اجتماعی و محیطی
۲۳	تقویت و ایجاد روحیه مشارکت‌جویی و امید در جامعه
۲۴	افزایش آگاهی از اهمیت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه جامعه
۲۵	ایجاد امنیت روانی و اعتماد به امکان ایجاد و فعالیت سازمان‌های غیردولتی
۲۶	وجود تنوع در اندیشه‌ها و سلايق فعالان و تقویت و افزایش مشارکت عمومی
۲۷	تفکر تشکلی‌گرایی و تشویق به مشارکت اجتماعی در ساختارهای دولتی و مردم‌نهاد
۲۸	ایجاد و تقویت فرهنگ مشارکت و ارزش‌های اجتماعی
۲۹	سطح اعتماد عمومی
۳۰	افزایش آگاهی جامعه از مسائل اجتماعی و زیست محیطی
۳۱	برقراری همکاری‌ها و شبکه‌سازی با سازمان‌های مردم‌نهاد در دیگر کشورها
۳۲	تنوع فرهنگی و اجتماعی
۳۳	تحولات اجتماعی و فرهنگی
۳۴	مشارکت فعال مردم در فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان یک فرایند دموکراتیک و شرکتی
۳۵	تطبیق سازمان‌ها با نیازهای نسل جدید
۳۶	استفاده از تکنولوژی پیشرفته، مانند اینترنت و فضای مجازی برای افزایش ارتباطات و تسهیل در فعالیت‌های مردم‌نهاد
۳۷	استفاده از فناوری و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با جامعه و جذب حمایت و مشارکت مردم
۳۸	آموزش و انگیزش برای استفاده بهینه از تکنولوژی‌های جدید
۳۹	اختصاص منابع مالی مناسب برای به‌روزرسانی و استقرار فناوری‌های جدید
۴۰	استفاده بهینه از فضای بین‌المللی و ابزارها و مکانیسم‌های بین‌المللی برای توسعه و پیشرفت سازمان‌های مردم‌نهاد
۴۱	بهره‌گیری از پیشرفت‌های فناوری و استفاده از ابزارهای دیجیتالی
۴۲	حمایت از فرهنگ فناوری و به اشتراک‌گذاری دانش و تجربه فردی
۴۳	تفاوت‌های جغرافیایی در مناطق با محیط‌های مختلف
۴۴	محدودیت‌های زیستی و محیطی مانند خشکسالی و کاهش منابع آبی
۴۵	افزایش آگاهی جامعه از مسائل زیست محیطی
۴۶	نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها

سپس تیم پژوهش با تبادل نظر با یکدیگر مقولات اصلی و فرعی احتمالی خود را به صورت جدول (۳) استخراج کردند.

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

جدول (۳): مقوله‌بندی کدهای اولیه عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران

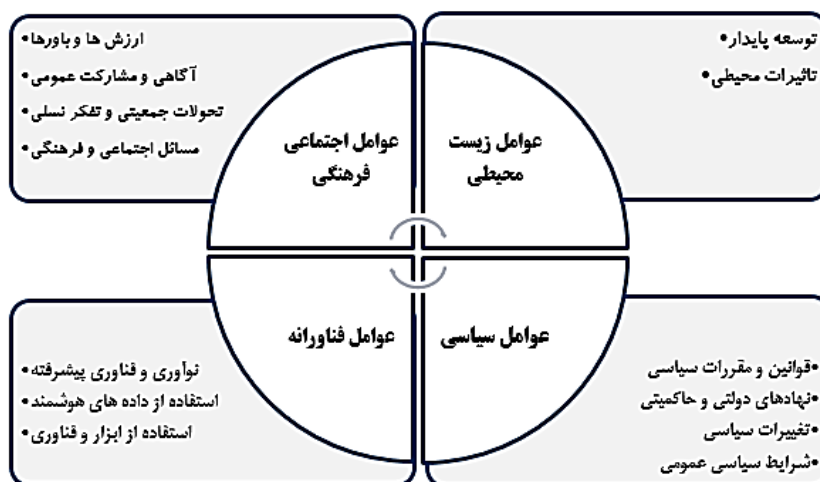
عوامل اصلی	عوامل فرعی	کدهای اولیه
عوامل سیاسی	قوانین و مقررات سیاسی	حمایت و تشویق دولت و سیاست‌گذاران از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد
		فراهم کردن حمایت‌ها و قوانین مناسب
		وجود قوانین و آیین‌نامه‌های تسهیل‌کننده فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی
	نهادهای دولتی و حاکمیتی	تفکر و رویکرد حاکمیت در ترویج مشارکت اجتماعی
		تغییرات در گفتمان و رویکرد دولت‌ها در جهت ترویج مشارکت مردم
		وجود نهادها و سازمان‌های حمایت و پشتیبان‌کننده از سازمان‌های غیردولتی
	شرایط سیاسی عمومی	وابستگی مردم به حزب‌ها و نظام سیاسی
		توجه به اصول مشارکت‌گرایی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولتی
		تغییرات در نگرش و سیاست‌های دولتی در جهت تشویق و حمایت از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد
	تغییرات سیاسی	تغییرات در سیاست‌گذاری دولتی به سمت توسعه مشارکت اجتماعی و توجه به نهادهای مدنی
توجه به تقویت و گسترش ارتباطات بین‌المللی و ایجاد ارتباط‌های مؤثر با سازمان‌های بین‌المللی		
وضعیت اقتصادی پایدار و امنیت معیشتی مردم		
عوامل اقتصادی	شرایط اقتصادی عمومی	تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد
		تورم و نرخ ارز
	سیاست‌های مالی و اقتصادی دولت	ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای سازمان‌های مردم‌نهاد
		تغییرات در روند تغییرات اقتصادی ملی و بین‌المللی
	انعطاف‌پذیری و نوآوری مالی	سیاست‌ها و تصمیمات دولتی در استفاده از منابع مالی و تحریم‌ها
		همکاری‌های با بخش خصوصی
عوامل اجتماعی فرهنگی	آگاهی و مشارکت عمومی	تنوع در تامین منابع مالی سازمان‌ها
		وجود امکانات بیشتر و فضای مشارکت مناسب برای افزایش روحیه مشارکت اجتماعی

عوامل اصلی	عوامل فرعی	کدهای اولیه
		تأثیر فرهنگ و اجتماع در تشکیل و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد
		افزایش آگاهی عمومی و حمایت از مسائل اجتماعی و محیطی
		تقویت و ایجاد روحیه مشارکت‌جویی و امید در جامعه
		افزایش آگاهی از اهمیت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه جامعه
ارزش‌ها و باورها		ایجاد امنیت روانی و اعتماد به امکان ایجاد و فعالیت سازمان‌های غیردولتی
		وجود تنوع در اندیشه‌ها و سلیقه‌ها و فعالان و تقویت و افزایش مشارکت عمومی
		تفکر تشکلی‌گرایی و تشویق به مشارکت اجتماعی در ساختارهای دولتی و مردم‌نهاد
		ایجاد و تقویت فرهنگ مشارکت و ارزش‌های اجتماعی سطح اعتماد عمومی
مسائل اجتماعی و فرهنگی		افزایش آگاهی جامعه از مسائل اجتماعی و زیست محیطی
		برقراری همکاری‌ها و شبکه‌سازی با سازمان‌های مردم‌نهاد در دیگر کشورها
		تنوع فرهنگی و اجتماعی
		تحولات اجتماعی و فرهنگی
تحولات جمعیتی و تفکر نسلی		مشارکت فعال مردم در فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان یک فرایند دموکراتیک و شرکتی
		تطبیق سازمان‌ها با نیازهای نسل جدید
عوامل فناوری	استفاده از ابزار و فناوری	استفاده از تکنولوژی پیشرفته، مانند اینترنت و فضای مجازی برای افزایش ارتباطات و تسهیل در فعالیت‌های مردم‌نهاد
		استفاده از فناوری و شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با جامعه و جذب حمایت و مشارکت مردم
	نوآوری و فناوری پیشرفته	آموزش و انگیزش برای استفاده بهینه از تکنولوژی‌های جدید
		اختصاص منابع مالی مناسب برای به‌روزرسانی و استقرار فناوری‌های جدید
استفاده از داده‌ها و		استفاده بهینه از فضای بین‌المللی و ابزارها و مکانیسم‌های بین‌المللی برای توسعه و پیشرفت سازمان‌های مردم‌نهاد
		بهره‌گیری از پیشرفت‌های فناوری و استفاده از ابزارهای دیجیتالی

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

عوامل اصلی	عوامل فرعی	کدهای اولیه	
عوامل زیست محیطی	تحلیل‌های هوشمند	حمایت از فرهنگ فناوری و به اشتراک‌گذاری دانش و تجربه فردی	
	تأثیرات محیطی	تفاوت‌های جغرافیایی در مناطق با محیط‌های مختلف	
	توسعه پایدار	محدودیت‌های زیستی و محیطی مانند خشکسالی و کاهش منابع آبی	افزایش آگاهی جامعه از مسائل زیست محیطی
		نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها	

در حقیقت مقوله‌بندی به معنای ارتباط بین مقولات اصلی و فرعی در قالب یک مفهوم، با بیشترین درجه انتزاع می‌باشد که مطابق با نمودار (۴) نشان داده می‌شود.



نمودار (۴): عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی و اقتصادی

### نتیجه

در جامعه‌های مدرن، سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان عوامل کلیدی در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شوند. این سازمان‌ها نه تنها نقشی برای افزایش

آگاهی و مشارکت شهروندی دارند، بلکه به‌عنوان گوشه‌ای از اصلاحات اجتماعی و سیاسی نیز شناخته می‌شوند، اما ارتباطات این سازمان‌ها با ساختارهای سیاسی و اقتصادی در کشورهایی مانند ایران، با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است که تأثیر ژرفی بر فرایند توسعه و تحولات اجتماعی دارند. هدف از انجام پژوهش پیش رو، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول در نظام حکمرانی در ایران می‌باشد. یافته‌ها بیانگر آن است که ۵ مانع و چالش اساسی، شامل چالش‌ها و موانع قانونی و دولتی، مالی و اقتصادی، ارتباطی و اطلاع‌رسانی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، ساختاری و مدیریتی و ۵ عامل مؤثر شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، فناوری و زیست‌محیطی و ۶ طبقه راهکار شامل توسعه قانونگذاری و تنظیم‌کنندگی، توسعه منابع مالی، اقتصادی و زیرساختی، توسعه توانمندی و آموزش، توسعه شبکه‌ها و همکاری‌ها، توسعه ارتباطات و اطلاع‌رسانی، توسعه شفافیت و نظارت، توسعه حقوق بشر و دموکراسی، توسعه فرهنگ و ارزش‌ها برای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران شناسایی شد. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران در طی ۴ دهه اخیر، با پنج مانع و چالش اساسی روبه‌رو بوده است که عبارتند از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، فناوری و زیست‌محیطی. این موانع، نشان می‌دهد که این روابط تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارند. بر اساس این یافته‌ها، ۶ طبقه راهکار ارائه شده است که شامل توسعه قانونگذاری و تنظیم‌کنندگی، توسعه منابع مالی، اقتصادی و زیرساختی، توسعه توانمندی و آموزش، توسعه شبکه‌ها و همکاری‌ها، توسعه ارتباطات و اطلاع‌رسانی، توسعه شفافیت و نظارت، توسعه حقوق بشر و دموکراسی، توسعه فرهنگ و ارزش‌ها برای توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران است. عوامل ساختاری و بستر ساز توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، نیازمند چند عامل مؤثر است که بایستی حتماً اتفاق بیفتد. مهم‌ترین عامل، می‌تواند بحث زمینه‌سازی‌هایی باشد که دولت برای مشارکت مردم انجام بدهد؛ یعنی اینکه بایستی مردم احساس بکنند که دولت، یک رویکرد باز و اجتماعی نسبت به حضور مردم در عرصه‌های مختلف اجرایی

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

دارد و علاقه‌مند است که از ظرفیت‌های مردمی برای توسعه کشور استفاده کند. در واقع اتفاق بایستی در قوانین و مقررات بیفتد؛ یعنی دولت‌ها با ترسیم قوانین و مقررات و ریل‌گذاری‌های قانونی که انجام می‌دهند، گفتمان خودشان را نسبت به مبحث مشارکت اجتماعی روشن و مشخص می‌کنند که چقدر علاقه‌مند مشارکت مردم هستند. در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران اگرچه در قوانین بالادستی مثل قانون اساسی به صراحت تأکید شده است که مردم بایستی در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خودشان مشارکت داشته باشند، اما در قوانین پایین دستی که بایستی منبعث از قانون اساسی باشد، کمتر به صورت مستقیم به مسئله مشارکت مردم پرداخته شده است که می‌توان نمود عملی را به‌ویژه در بی‌توجهی به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد به نمایندگی از جامعه مدنی در برنامه‌های سوم، پنجم و ششم دانست؛ چراکه اسناد توسعه‌ای به‌عنوان اسناد بالادستی رویکرد و اراده حاکمیت را در شیوه حکمرانی نمایندگی می‌کنند و به نظر می‌رسد که توجه به جایگاه نهادهای مدنی - از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد - در پیشبرد اهداف توسعه‌ای حاکمیت در چهارچوب شاخص‌های حکمرانی مطلوب در اسناد توسعه، با رویکردی تقلیل‌گرایانه و کاملاً با رویکرد دولتی و دولت‌محور، در همه امور نوشته شده و در سیاست‌گذاری‌ها و یا قانونگذاری‌های دو، سه دهه اخیر، لزوماً نقش نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان عوامل مؤثر بر توسعه کشور و تحقق حکمرانی مطلوب به‌طور جدی دیده نشده است. در واقع سیاست‌های حاکم بر دولت‌ها یا گفتمان حاکم بر ساختار سیاسی - اقتصادی دولت‌های مختلف - از دولت اصلاحات تا دولت سیزدهم - تأثیرات قابل توجهی بر روند شکل‌گیری و فعالیت NGOها و حتی بر توسعه کمی و کیفی آنها در طی چهار دهه اخیر داشته است و روند تأثیرگذاری سازمان‌های مردم‌نهاد بر شاخص‌های تحقق حکمرانی مطلوب در ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است.

باتوجه به دستاوردهای به‌دست‌آمده در این پژوهش، پیشنهادهای زیر می‌تواند عاملیت مثبتی بر روند توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و در مقابل، افزایش ضریب اثرگذاری کیفی توسعه این سازمان بر بستر تعاملاتی آنها با دولت و حاکمیت در ایران را فراهم سازد.

- باتوجه به دستاوردهای به دست آمده از مناسبات گفتمانی سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران در بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۴۰۰، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:
۱. ارتقای قوانین مربوط به ایجاد و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، از جمله ساده‌تر کردن فرایندهای ثبت و تأیید آنها و فراهم کردن محیطی مساعد برای توسعه این سازمان‌ها؛
  ۲. ایجاد بسترهای حمایتی و تشویقی مالی و غیرمالی از جانب دولت و بخش خصوصی و ترغیب سازمان‌های مردم‌نهاد به فعالیت بیشتر؛
  ۳. اصلاح و تغییر سیاست‌های محدودکننده و ایجاد سیاست‌های تسهیل‌گر، به سازمان‌های مردم‌نهاد و امکان ارائه خدمات و فراهم کردن انجام فعالیت‌های خود؛
  ۴. مدیریت موانع داخلی و بین‌المللی با بررسی و حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی و حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد در راه توسعه و فعالیت‌هایشان؛
  ۵. تغییر گفتمان عمومی به ساختار سیاسی - اقتصادی، مشارکت مردمی در سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان نهادهای مدنی و تقویت فعالیت مستقل آنان؛
  ۶. ایجاد قوانینی که به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه فعالیت مستقل و مستقیم از دولت را بدهد؛
  ۷. ارائه حمایت‌های مالی و قانونی محکم از سازمان‌های مردم‌نهاد برای مقابله با موانع حاکمیتی و تسهیل فعالیت‌هایشان؛
  ۸. ایجاد زیرساخت‌های لازم برای ایجاد فضای مناسب برای مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد؛
  ۹. توسعه برنامه‌ها و پروژه‌های جمع‌آوری و تأمین منابع مالی برای سازمان‌های مردم‌نهاد، از جمله اعطای مالیات‌های معافیت‌های مالیاتی به آنها؛
  ۱۰. آموزش و ارتقای مهارت‌های مدیریتی، فنی و اجتماعی در اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد؛
  ۱۱. افزایش آگاهی جامعه و ترویج فرهنگ مشارکت مردمی به منظور حمایت و مشارکت بیشتر در فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد؛
  ۱۲. بهبود عملکرد و افزایش تأثیرگذاری سازمان‌های مردم‌نهاد از راه استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته؛
  ۱۳. ارائه آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی‌های در پیوند با مزایا و روش‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به جامعه؛

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

۱۴. ارتقای زیرساخت‌های فنی و مدیریتی برای بهبود کیفیت و کارآمدی فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۱۵. افزایش دسترسی به منابع انسانی متخصص و متعهد برای توسعه فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۱۶. ایجاد فضاهای تبادل تجربیات و همکاری با ایجاد سکوه‌های مجازی و فیزیکی برای تبادل تجربیات و همکاری بین سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۱۷. تشویق به ایجاد اتحادیه‌ها و شبکه‌هایی از سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور تقویت نقش و تأثیر آنها؛
۱۸. ایجاد سازوکارهای همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت برای اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های مشترک؛
۱۹. تعامل با نهادهای داخلی و بین‌المللی برای بهره‌گیری از تجربیات و منابع مختلف؛
۲۰. تقویت ارتباطات و شبکه‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد با سازمان‌های بین‌المللی به منظور توسعه همکاری‌ها و تبادل تجربیات؛
۲۱. ترویج همکاری و تعامل مثبت با دولت و سایر نهادهای دولتی جهت تسهیل در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۲۲. تقویت و گسترش شبکه‌های ارتباطی و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای افزایش اثربخشی و تأثیرگذاری سازمان‌های مردم‌نهاد ایران؛
۲۳. تحریک همکاری و توسعه همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای ارتقای فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران؛
۲۴. ایجاد برنامه‌ها و استراتژی‌های ارتباطی مناسب برای تبلیغات، جذب حمایت و افزایش آگاهی عمومی از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد؛
۲۵. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای گسترش فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و ایجاد ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی؛
۲۶. ترویج فرهنگ شفافیت و حسن‌نیت در فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور افزایش اعتماد عمومی به آنها؛
۲۷. ایجاد سیستم‌ها و مکانیسم‌هایی برای نظارت و ارزیابی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور افزایش اعتماد عمومی به آنها؛

۲۸. تسهیل در دسترسی به فناوری و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد برای ارتباط با جامعه و جذب حمایت مردم؛

۲۹. تشویق به ارائه گزارش‌های شفاف و دسترس‌پذیر برای عموم به‌وسیله سازمان‌های مردم‌نهاد؛

۳۰. ترویج فرهنگ مشارکت اجتماعی و احساس مسئولیت در افراد و تقویت سازمان‌های غیردولتی و تشویق فعالیت‌های آنها.

مجموع این راهکار پیش‌گفته به‌عنوان عوامل مؤثر بر روند توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در تحول حکمرانی مطلوب در ایران نقشی مؤثر ایفا کنند. این راهکارها، با تمرکز بر سازمان‌های مردم‌نهاد و تطبیق آنها با شاخص‌های حکمرانی مطلوب، نشان می‌دهد که هریک از زمینه‌های یادشده می‌توانند خلاء موجود در حکمرانی را پر کرده و تحول‌آفرین باشند.

## منابع

۱. استراوس، انسلم و جولیت کربین (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
۲. استرنبرگ، رابرت و سالی ریس (۱۳۸۵). تیزهوشی: تعاریف و مفاهیم. ترجمه مجتبی امیری مجد. تهران: نشر دانژه.
۳. اسلامی، رضا و ذکیه بزرگی مهناز نوروژی و محبوبه گوهری و سعید نادری (۱۴۰۱). «بررسی جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد و نقش آنها در سیاست‌گذاری». مجموعه پنجمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی. همدان.
۴. ایمانی جاجرومی و دیگران (۱۳۸۱). مدیریت شهری پایدار؛ بررسی تجارب مشارکتی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی ایران. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها.
۵. پیروسی، معصومه و علی شیرخانی (۱۳۹۹). «نقش مشارکت زنان در توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد». مطالعات زن و خانواده. ۲ (۱۷). ص ۱۱۵-۱۳۶.
۶. سردار نیا، خلیل الله (۱۳۹۶). «حکمرانی در ایران، آسیب‌شناسی و ارائه راهبردها». راهبرد توسعه. ش ۴۹. ص ۲۰۵-۲۲۵.
۷. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه گراندد تئوری (GTM). تهران: آگاه.
۸. کرسول، جان (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: انتشارات صفار. ویرایش دوم.
۹. محتشم دولت‌شاهی، طهماسب (۱۳۹۰). مبانی علم اقتصاد. تهران: نشر خجسته. چاپ سوم.
۱۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۱. مقیمی، سید محمد و اعلائی اردکانی، مصطفی (۱۳۹۰). «سنجش شاخص‌های

- حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن». مدیریت فناوری اطلاعات. ۳ (۸). ص ۱۷۱-۱۸۸
۱۲. منصوری محمدآبادی، تقی (۱۳۹۸). «تأثیر مشارکت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در مبارزه با جرایم اقتصادی». پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته: حقوق جزا و جرم‌شناسی. بندرعباس: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
13. Banks, Nicola; Hulme, David & Edward, Michael (2015). "Ngos, States, And Donors Revisited: Still Too Close For Comfort?". *World Development*. Vol. 66
14. S Lian, A Murdie. (2032). "How closing civil society space affects NGO-Government interactions". *Journal of Human Rights*. 22 (4).pp.1-17.
15. Pandit, N. R. (1996). "The Creation of Theory: A Recent Application of the Grounded Theory Method". *The Qualitative Report*. 2 (4). pp. 1-5.
16. laser, Barney G. and Strauss, Anselm L. (1967) *The discovery of grounded theory: strategies for qualitative research*. Chicago: Aldine.
17. Strauss, A. L. & Corbin, J. M. (1998). Basics of qualitative research: Grounded theory.
18. Lee, J. (2001). *A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation*. University of Nebreska, In Proquest UMI Database. procedures and techniques (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
19. EV Stetsko. (2023). "Studies of the role of non-governmental organizations in international relations: unity

عوامل مؤثر بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و تأثیر آن بر تحول حکمرانی در ایران

of theory and selectivity of practice". *The Routledge Handbook of Russian International*. 1-16.

20. NZ Abiddin, I Ibrahim, SA Abdul Aziz. (2022). "Non-governmental organisations (NGOs) and their part towards sustainable community development". *Sustainability*. 14 (8). pp.1-19.
21. Undp (2020). *Governrnce for sustainable growth and equity report of international conference*. new york: united nations. 28– 30 july 1999.
22. GM Gomez, AHJB Helmsing. (2020). "Social entrepreneurship: A convergence of NGOs and the market economy?". *NGO Management*. 3 .pp.1-12.
23. R Hasmath, T Hildebrandt, JYJ .Hsu (2019). *Journal of Civil Society* 15. 1. Conceptualizing State-Organized Non-Governmental Organizations. University of Alberta.
24. 19 pagesTohidfam, Mohammad. (2009). "The Integration of Action and Structure in the Thought of Giddens, Bourdieu, and Habermas and Its Impact on New Sociology". *Political Science Research Journal*. 4 (3).
25. Tohidfam, Mohammad. (2018). *Good Governance and Social Security System*. Scientific and Cultural Publications, p.218
26. Tohidfam, Mohammad;Touserkani,Ali, (2021). "An analysis of media policymaking: A transition from classical institutionalism to new institutionalism". *Political Quarterly*. 51 (1), pp.81-97.